

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۱

آیه ۹۲

آیه و ترجمه

۹۲ - لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون و ما تنفقوا من شی فان الله به علیم
ترجمه :

۹۲ - هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست‌می‌دارید (در راه خدا) انفاق کنید، و آنچه انفاق می‌کنید خداوند از آن باخبر است.

تفسیر :

یک نشانه ایمان

در آیات گذشته بحثهایی درباره ایمان و کفر و نشانه‌ها و آثار آن و بخشی از سرگذشت انبیاء آمده بود، و در این آیه به یکی از طرق وصول به حقیقت ایمان و مقام بر و نیکوکاری اشاره می‌کند، همان چیزی که بهترین نشانه شخصیت و عواطف انسانی، و تقوا به اسلام است. آیه می‌گوید: «شما هرگز به حقیقت «بر» و «نیک» نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست‌می‌دارید در راه خدا انفاق کنید» (لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون)

واژه «بر» در اصل به معنی «وسعت» است، و لذا صحراهای وسیع را «بر» (بفتح ب) می‌گویند، و به همین جهت به کارهای نیک که نتیجه آن گسترده است و به دیگران می‌رسد «بر» (بکسر ب) گفته می‌شود، و تفاوت میان «بر» و «خیر» از نظر لغت عرب این است که بر نیکوکاری تواءم با توجه و از روی قصد و اختیار است، ولی «خیر» به هر نوع نیکی که به دیگری بشود اگر چه بدون توجه باشد، اطلاق می‌گردد.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۲

در این که مقصود در اینجا از کلمه «بر» چیست؟ مفسران گفتگوی بسیار دارند، بعضی آن را به معنی بهشت، و بعضی به معنی پرهیزکاری و تقوی، و بعضی به معنی پاداش نیک گرفته‌اند، ولی آنچه از آیات قرآن

استفاده می شود این است که بر معنی وسیعی دارد و به تمام نیکیها اعم از ایمان و اعمال پاک گفته می شود، چنانکه از آیه ۱۷۷ سوره بقره استفاده می شود که ایمان به خدا، و روز جزا، و پیامبران، و کمک به نیازمندان، و نماز و روزه، و وفای به عهد، و استقامت در برابر مشکلات و حوادث همه از شعب بر محسوب می شوند.

بنابراین رسیدن به مقام نیکوکاران واقعی، شرایط زیادی دارد که یکی از آنها انفاق کردن از اموالی است که مورد علاقه انسان است، زیرا عشق و علاقه واقعی به خدا، و احترام به اصول انسانیت و اخلاق، آنگاه روشن می شود که انسان بر سر دو راهی قرار گیرد، در یک طرف مال و ثروت یا مقام و منصبی قرار داشته باشد که مورد علاقه شدید او است، و در طرف مقابل خدا و حقیقت و عواطف انسانیت و نیکوکاری، اگر از اولی بخاطر دومی صرف نظر کرد معلوم می شود که در عشق و علاقه خود صادق است، و اگر تنها در این راه از موضوعات جزئی حاضر بود صرف نظر کند، معلوم می شود عشق و علاقه معنوی او نیز به همان پایه است و این مقیاسی است برای سنجش ایمان و شخصیت.

در پایان آیه برای جلب توجه انفاق کنندگان می فرماید: «آنچه در راه خدا انفاق می کنید (کم یا زیاد از اموال مورد علاقه یا غیر مورد علاقه) از همه آنها آگاه است» (و ما تنفقوا من شی فان الله به علیم).

و بنابراین هرگز گم نخواهد شد و نیز چگونگی آن بر او مخفی نخواهد ماند.

نفوذ آیات قرآن در دلهای مسلمانان

نفوذ آیات قرآن در دلهای مسلمانان بقدری سریع و عمیق بود که بلافاصله

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۳

بعد از نزول آیات اثر آن ظاهر می گشت، به عنوان نمونه در مورد آیه فوق در تواریخ و تفاسیر اسلامی چنین می خوانیم:

۱ - یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بنام ابوطلحه انصاری در مدینه نخلستان و باغی داشت بسیار مصفا و زیبا، که همه در مدینه از آن سخن می گفتند، در آن چشمه آب صافی بود که هر موقع پیامبر صلی الله علیه و آله به آن باغ می رفت از آن آب میل می کرد و وضو می ساخت، و علاوه بر همه اینها آن باغ درآمد خوبی برای ابوطلحه داشت، پس از نزول آیه فوق به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد:

می دانی که محبوبترین اموال من همین باغ است، و من می خواهم آن را در راه خدا انفاق کنم تا ذخیره‌ای برای رستاخیز من باشد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بخ بخ ذلک مال رابح لک، آفرین بر تو، آفرین بر تو، این ثروتی است که برای تو سودمند خواهد بود» سپس فرمود: من صلاح می دانم که آن را به خویشاوندان نیازمند خود بدهی، ابو طلحه دستور پیامبر صلی الله علیه و آله را عمل کرد و آن را در میان بستگان خود تقسیم کرد.

۲- روزی میهمانی بر ابوذر وارد شد، او که زندگی ساده‌ای داشت از میهمان معذرت خواست که من بر اثر گرفتاری نمی توانم شخصا از تو پذیرایی کنم، من چند شتر در فلان نقطه دارم، قبول زحمت کن بهترین آنها را بیاور (تا برای تو قربانی کنم) میهمان رفت و شتر لاغری با خود آورد، ابوذر به او گفت به من خیانت کردی، چرا چنین شتری آوردی؟ او در جواب گفت: من فکر کردم روزی به شترهای دیگر نیازمند خواهی شد، ابوذر گفت: روز نیاز من زمانی است که از این جهان چشم می بندم (چه بهتر که برای آن روز ذخیره کنم) خداوند می فرماید: (لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون).

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۴

۳- زبیده همسر هارون الرشید قرآنی بسیار گرانقیمت داشت که آن را با زرو زیور و جواهرات تزیین کرده بود و علاقه فراوانی به آن داشت، یک روز هنگامی که از همان قرآن تلاوت می کرد به آیه «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون» رسید، با خواندن آیه در فکر فرو رفت و با خود گفت هیچ چیز مثل این قرآن نزد من محبوب نیست و باید آن را در راه خدا انفاق کنم، کسی را به دنبال جواهر فروشان فرستاد و تزیینات و جواهرات آن را بفروخت و بهای آن را در بیابانهای حجاز برای تهیه آب مورد نیاز بادیه نشینان مصرف کرد که می گویند امروز هم بقایای آن چاهها وجود دارد و به نام او نامیده می شود.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۵

آیه ۹۳ - ۹۵

آیه و ترجمه

۹۳ کل الطعام کان حلا لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل التورۃ قل فاءتوا بالتورۃ فاتلوها ان کنتم صدقین
۹۴ فمن افتری علی الله الکذب من بعد ذلک فاءولئک هم الظلمون

۹۵ قل صدق الله فاتبعوا ملة ابراهيم حنيفا و ما كان من المشركين

ترجمه :

۹۳ - همه غذاها(ی پاک) بر بنی اسرائیل حلال بود جز آنچه اسرائیل (یعقوب)، پیش از نزول تورات بر خود تحریم کرده بود (مانند گوشت شتر که برای او ضرر داشت) بگو اگر راست می گوئید تورات را بیاورید و بخوانید (این نسبت‌هایی که به - پیامبران پیشین می دهید حتی در تورات تحریف شده شما نیست).

۹۴ - بنابراین آنها که بعد از این به خدا دروغ می بندند ستمگرند (و از روی علم و عمد چنین می کنند).

۹۵ - بگو «خدا راست گفته (و اینها در آئین پاک ابراهیم نبوده) بنابراین از آئین ابراهیم پیروی کنید که به حق گرایش داشت و از مشرکان نبود!»

شان نزول :

از روایات و نقل مفسران استفاده می شود که یهود، دو ایراد دیگر در گفتگوهای خود به پیامبر صلی الله علیه و آله کردند، نخست این که چگونه پیامبر اسلام گوشت و شیر شتر را حلال می داند با این که در آئین ابراهیم (علیه السلام) حرام بوده، و به همین دلیل

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۶

یهود هم به پیروی از ابراهیم آنها را بر خود حرام می دانند، نه تنها ابراهیم بلکه نوح هم اینها را تحریم کرده بود با این حال چگونه کسی که آنها را حرام نمی داند دم از آئین ابراهیم می زند؟!

دیگر این که چگونه پیامبر اسلام خود را وفادار به آئین پیامبران بزرگ خدا مخصوصا ابراهیم (علیه السلام) می داند در حالی که تمام پیامبرانی که از دودمان اسحاق فرزند ابراهیم بودند بیت المقدس را محترم می شمردند، و بسوی آن نماز می خواندند، ولی پیامبر اسلام از آن قبله روی گردانده و کعبه را قبله گاه خود انتخاب کرده است؟!

آیات فوق به ایراد اول پاسخ گفته و دروغ آنها را روشن می سازد، و آیات آینده بر ایراد دوم پاسخ می گوید.

تفسیر :

تهمت یهود بر پیغمبر خدا

همانگونه که در شأن نزول آیات فوق خواندیم یهود حلال بودن گوشت و شیر

شتر را از طرف پیامبر اسلام منکر شده بودند.
قرآن در نخستین آیه مورد بحث، با صراحت تمام تهمتهای یهود را در مورد تحریم پاره‌ای از غذاهای پاک (مانند شیر و گوشت شتر) رد می‌کند و می‌گوید: «در آغاز، تمام این غذاها برای بنی اسرائیل حلال بود، مگر آنچه اسرائیل (یعقوب) بر خود تحریم کرده بود» (کل الطعام کان حلالاً لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل التوراة)
درباره این که اسرائیل (اسرائیل نام دیگر یعقوب است) چه نوع غذائی را بر خود تحریم کرده بود؟ و علت آن تحریم چه بود؟ توضیحی در آیه ذکر نشده است، ولی از روایات اسلامی چنین بر می‌آید:

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۷

هنگامی که یعقوب گوشت شتر می‌خورد بیماری عرق النسا بر او شدت می‌گرفت. و لذا تصمیم گرفت که از خوردن آن برای همیشه خودداری کند، پیروان او هم در این قسمت به او اقتدا کردند، و تدریجاً امر بر بعضی مشتبه شد، و تصور کردند این یک تحریم الهی است، و آن را بعنوان یک دستور دینی بخدا نسبت دادند. قرآن در آیه بالا علت اشتباه آنها را تشریح می‌کند و روشن می‌سازد که نسبت دادن این موضوع به خدا یک تهمت است. بنابراین قبل از نزول تورات هیچ یک از غذاهای پاکیزه بر بنی اسرائیل حرام نبوده که با جمله «من قبل ان تنزل التوراة» در آیه فوق به آن اشاره شده است، اگر چه بعد از نزول تورات و آمدن موسی بن عمران بر اثر ظلم و ستم یهود پاره‌ای از غذاهای پاکیزه به عنوان مجازات، بر آنها تحریم شد.
در جمله بعد خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که از یهود دعوت کندهمان تورات موجود نزد آنها را بیاورند و آن را بخوانند تا معلوم شود که ادعای آنها در مورد تحریم غذاها نادرست است. قرآن می‌فرماید: «بگو: اگر راست می‌گویید تورات را بیاورید و بخوانید» این نسبت‌هایی که به پیامبران پیشین می‌دهید حتی در تورات تحریف شده شما نیست. (قل فاتوا بالتوراة فاتلوها ان کنتم صادقین).
ولی آنها حاضر به انجام این کار نشدند چون می‌دانستند در تورات چنین چیزی وجود ندارد.

در آیه بعد می‌گوید، اکنون که آنها حاضر به آوردن تورات نشدند و افترا بستن آنها بر خدا مسلم شد، باید بدانند: «آنها که بعد از این به خدا دروغ می‌بندند

ستمگرند و از روی علم و عهد چنین می کنند». (فمن افتری علی الله الکذب من بعد ذلک فاولئک هم الظالمون).

در حقیقت هم بر خود ستم می کنند که خویش را گرفتار مجازات و کیفر الهی می سازند، و هم به دیگران که آنها را با دروغ و نیرنگ از راه راست منحرف می سازند.

تورات کنونی و تحریم پاره‌ای از گوشتها:

در تورات کنونی در سفر «لاویان» فصل یازدهم ضمن بیان گوشت‌های حرام و حلال چنین می خوانیم: «از نوشخوار کنندگان و سم چاکان اینها را نخورید، شتر را با وجودی که نوشخوار می کند اما تمام سم چاک نیست آن برای شما ناپاک است».

از جمله‌های فوق استفاده می شود که یهود گوشت شتر و سایر سم چاکان را حرام می دانستند، ولی هیچگونه دلالتی بر تحریم آنها در آئین ابراهیم و نوح ندارد ممکن است این قسمت از آنها باشد که بعنوان مجازات بر یهود تحریم شده بود.

در آخرین آیه مورد بحث روی سخن را به پیامبر کرده، می گوید: «بگو: خدا راست گفته (و اینها در آئین پاک ابراهیم نبود)» (قل صدق الله فاتبعوا ملة ابراهیم حنیفا و ما کان من المشرکین)

اکنون که می بینید من در دعوت خود صادق و راستگویم، پس از آئین من که همان آئین پاک و بی آلایش ابراهیم است پیروی نمائید زیرا او «حنیف» بود یعنی از ادیان باطل متمایل به حق شده بود و در دستورات او حتی در مورد غذاهای پاک یک حکم انحرافی و تحریم بی دلیل وجود نداشت. او هرگز از مشرکان نبود و این که مشرکان عرب خود را بر آئین او می دانند کاملاً بی معنی است، «بت پرست» کجا و «بت شکن» کجا؟

قابل توجه این که در قرآن کراراً روی این جمله تکیه شده است که ابراهیم از مشرکان نبود.

زیرا همانطور که قبلاً هم اشاره کردیم بت پرستان جاهلیت مدعی بودند که بر آئین ابراهیم هستند و آنقدر در این ادعا پیش رفته بودند که دیگران، آنها را

«حسنفا» (پیروان ابراهیم)! معرفی می کردند، لذا قرآن مکرر این موضوع را نفی می کند.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۰

آیه ۹۶ - ۹۷

آیه و ترجمه

۹۶ ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مباركا و هدى للعالمين
۹۷ فيه ايت بينات مقام ابرهيم و من دخله كان امنا و لله على الناس حج البيت من استطاع ائليه سبيلا و من كفر فان الله غني عن العالمين
ترجمه :

۹۶ - نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد در سرزمین مکه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است.
۹۷ - در آن نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است، و هر کس داخل آن (خانه خدا) شود در امان خواهد بود، و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانائی رفتن به سوی آن دارند، و هر کس کفر بورزد (و حج را ترک کند به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است.

تفسیر :

نخستین خانه مردم

همانطور که در ذیل آیات سابق گفتیم یهود به پیامبر اسلام دو ایراد داشتند که پاسخ نخستین ایرادشان در آیات سابق آمد، و پاسخ دومین ایراد که درباره فضیلت بیت المقدس و برتری آن بر کعبه بود در این آیات آمده است. نخست می گوید: «نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد در سرزمین مکه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است.»
(ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مباركا و هدى للعالمين).
به این ترتیب اگر کعبه به عنوان قبله مسلمانان انتخاب شده است، جای

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۱

تعجب نیست، زیرا این نخستین خانه توحید است، و با سابقه‌ترین معبدی است که در روی زمین وجود دارد، هیچ مرکزی پیش از آن مرکز نیایش و پرستش پروردگار نبوده، خانه‌ای است که برای مردم و به سود جامعه بشریت در نقطه‌ای که مرکز اجتماع و محلی پربرکت است ساخته شده است.

تاریخ و منابع اسلامی هم به ما می‌گویند که خانه کعبه بدست آدم (علیه السلام) ساخته شد و سپس در طوفان نوح آسیب دید و به وسیله ابراهیم خلیل تجدید بنا شد.

بنابراین انتخاب پرسابقه‌ترین خانه توحید برای قبله از هر نقطه دیگری شایسته‌تر است.

جالب توجه اینکه در این آیه خانه کعبه که نام دیگرش «بیت الله» هست به عنوان خانه مردم معرفی شده، و این تعبیر بیان کننده این حقیقت است که آنچه بنام خدا و برای خدا است باید در خدمت مردم و بندگان او باشد، و آنچه در خدمت مردم و بندگان خدا است برای خدا محسوب می‌شود.

ضمناً از این آیه اهمیت سابقه داشتن در مسیرهای الهی و سازنده، روشن می‌شود، و لذا در آیه فوق نخستین فضیلتی که برای خانه کعبه ذکر شده همان سابقه ممتد و طولانی آن است و از اینجا پاسخ ایرادی که در مورد احترام «حجر الاسود» می‌شود نیز روشن می‌گردد، زیرا

عده‌ای می‌گویند یک قطعه سنگ چه ارزش و اهمیتی دارد که همه سال میلیون‌ها مردم برای استلام آن (دست گذاشتن بر آن) بر یکدیگر پیشی گیرند و بعنوان یک مستحب مؤکد در برنامه زائران خانه خدا گنجانیده شود؟

ولی توجه به تاریخچه این سنگ مخصوص نشان می‌دهد که امتیازی در آن است که در هیچ سنگ دیگری در جهان نمی‌توان پیدا کرد و آن این که پرسابقه‌ترین

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۲

چیزی است که به عنوان مصالح ساختمان، در یک مرکز عبادت و پرستش خداوند، بکار رفته، زیرا می‌دانیم تمام معابد روی زمین و حتی کعبه که نخستین پرستشگاه است بارها تجدید بنا شده و مصالحی که در ساختمان آنها بکار رفته، تغییر یافته است تنها همین قطعه سنگ است که با مرور هزاران سال هنوز بعنوان مصالح ثابت در این معبد پرسابقه پا برجا مانده است، بنابراین اهمیت آن در واقع همان سابقه داشتن در مسیر خدا و خدمت به مردم است.

به علاوه این سنگ تاریخ خاموشی از نسلهای فراوان مؤمنان در قرون و اعصار مختلف است، این سنگ زنده کننده خاطره استلام انبیای بزرگ و بندگان خاص خدا است که در کنار آن به نیایش پروردگار برخاستند.

موضوع دیگری که توجه به آن در اینجا لازم است این است که آیه فوق می گوید: این نخستین خانه ای بوده است که برای مردم ساخته شده است، روشن است که منظور نخستین خانه عبادت و پرستش است، بنابراین هیچ مانعی ندارد که قبل از آن خانه های مسکونی دیگر در روی زمین وجود داشته است، و این تعبیر پاسخ روشنی است به آنها (مانند نویسندگان تفسیر المنار) که می گویند خانه کعبه نخستین بار بدست ابراهیم ساخته شد و ساخته شدن آن را بدست آدم در ردیف افسانه ها قلمداد می کنند.

در حالی که بطور مسلم قبل از ابراهیم معبد و پرستشگاه در جهان وجود داشته و انبیای پیشین همچون نوح از آن استفاده می کردند بنابراین چگونه ممکن است خانه کعبه که نخستین معبد جهان است به دست ابراهیم ساخته شده باشد.

در حالی که بطور مسلم قبل از ابراهیم معبد و پرستشگاه در جهان وجود داشته و انبیای پیشین همچون نوح از آن استفاده می کردند بنابراین چگونه ممکن است خانه کعبه که نخستین معبد جهان است به دست ابراهیم ساخته شده باشد.

به هر حال در این آیه برای کعبه علاوه بر امتیاز «نخستین پرستشگاه بودن» به دو امتیاز «مبارک» و «مایه هدایت جهانیان» بودن آن نیز اشاره شده است.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۳

سپس در آیه بعد دو امتیاز دیگر آن را ذکر می کند، می فرماید: «در آن نشانه های روشن است (از جمله) مقام ابراهیم» (فیه آیات بینات مقام ابراهیم).

و نشانه دیگر آن آرامش و امنیت حاکم بر این شهر است چنانکه قرآن می گوید: «و هر کس که داخل آن شود در امان خواهد بود» (و من دخله کان امنا).

در جمله بعد دستور حج به همه مردم داده، می گوید: «و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند آنها که توانائی رفتن به سوی آن دارند» (و لله علی الناس حج البيت من استطاع الیه سبیلا).

از این دستور تعبیر به یک بدهی و دین الهی شده است که بر ذمه عموم مردم می باشد زیرا فرموده است «و لله علی الناس، برای خدا بر مردم است».

واژه «حج» در اصل به معنی قصد است و به همین جهت به جاده و

راه» (محجة)» (بر وزن مودة) گفته می‌شود، زیرا انسان را به مقصد می‌رساند، و به دلیل و برهان «حجت» می‌گویند، زیرا مقصود را در بحث روشن می‌سازد، و اما این که این مراسم مخصوص را حج نامیده‌اند برای این است که به هنگام حرکت برای شرکت در این مراسم «قصد زیارت خانه خدا» می‌کنند و به همین دلیل در آیه فوق اضافه به بیت (خانه کعبه) شده است.

همانطور که سابقا اشاره کرده‌ایم مراسم زیارت خانه کعبه نخستین بار در زمان ابراهیم رسمیت یافت، و سپس بصورت یک سنت حتی در زمان عرب جاهلی ادامه یافت، و در اسلام به صورت کاملتر و خالی از هر گونه خرافه دوران جاهلی تشریع گردید.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۴

البته از نهج البلاغه (خطبه قاصعه) و بعضی از روایات بخوبی استفاده می‌شود که فریضه حج از زمان آدم (علیه السلام) تشریع شده بود، ولی رسمیت یافتن آن بیشتر مربوط به زمان ابراهیم (علیه السلام) است. حج بر هر انسانی که توانایی داشته باشد در عمر فقط یک بار واجب می‌شود و از آیه فوق نیز بیش از این استفاده نمی‌گردد زیرا حکم مطلق است و با یک بار انجام دادن امتثال حاصل می‌شود. تنها شرطی که در آیه برای وجوب حج ذکر شده مسأله استطاعت است که با تعبیر «من استطاع الیه سبیلا، کسی که توانایی راه پیمایی به سوی خانه کعبه داشته باشد» بیان شده است.

البته در روایات اسلامی و کتب فقهی، استطاعت، به معنی «داشتن زاد و توشه، و مرکب، و توانایی جسمی، و باز بودن راه، و توانایی بر اداره زندگی به هنگام بازگشت از حج» تفسیر شده است، ولی در حقیقت همه اینها در آیه فوق مندرج است، زیرا استطاعت در اصل به معنی توانایی است که شامل تمام این امور می‌شود.

ضمن آنکه از آیه فوق استفاده می‌شود که این قانون مانند سایر قوانین اسلامی اختصاص به مسلمانان ندارد بلکه همه موظفند آن را انجام بدهند و باقاعده معروف «الکفار مکلفون بالفروع کما انهم مکلفون بالاصول» (کافران همانطور که به اصول دین موظفند به انجام فروع نیز مکلف می‌باشند) با آیه فوق و مانند آن تأیید می‌شود، گرچه شرط صحیح بودن این گونه اعمال و

عبادات این است که نخست اسلام را بپذیرند و سپس آنها را انجام بدهند ولی باید توجه داشت که عدم قبول اسلام، مسؤولیت آنها را در برابر اینگونه وظائف از بین نمی برد.

درباره اهمیت این مراسم بزرگ، و فلسفه حج، و آثار فردی و اجتماعی آن در

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۵

ذیل آیه ۱۹۶ تا ۲۰۳ در سوره بقره مشروحا بحث شد.

اهمیت حج

در پایان آیه، برای تاءکید و بیان اهمیت مسأله حج، می فرماید: «و هر کس کفر بورزد (و حج را ترک کند به خود زیان رسانیده زیرا) خداوند از همه جهانیان بی نیاز است» (و من کفر فان الله غنی عن العالمین).

واژه «کفر» در اصل به معنی پوشانیدن است و از نظر اصطلاح دینی معنی وسیعی دارد و هر گونه مخالفتی را با حق، چه در مرحله عقاید، و چه در مرحله دستورات فرعی باشد، شامل می شود، و اگر مشاهده می کنیم که «کفر» غالباً در مخالفت با اصول استعمال می شود دلیل بر این نیست که منحصر به همان معنی بوده باشد، به همین دلیل در آیه بالا در مورد «ترک حج» بکار رفته است، و لذا در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که «کفر» را در آیه به معنی «ترک» تفسیر فرموده است.

و به عبارت دیگر کفر و فاصله گرفتن از حق - همانند ایمان و توجه به حق - مراحل و درجاتی دارد که هر کدام برای خود دارای احکام مخصوصی است، و با توجه به این حقیقت بسیاری از مشکلات که در معنی آیات و روایات مربوط به کفر و ایمان پیش می آید، حل می شود، بنابراین اگر در مورد رباخواران در (سوره بقره - ۲۷۵) و همچنین در مورد ساحران (بقره - ۱۰۲) تعبیر به کفر شده است به همین منظور است.

در هر حال از آیه فوق دو مطلب استفاده می شود:
نخست اهمیت فوق العاده حج است که از ترک آن تعبیر به کفر شده است، مرحوم صدوق در کتاب «(من لا یحضر)» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که: به علی (علیه السلام)

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۶

فرمود: «یا علی تارک الحج و هو مستطیع کافر یقول الله تبارک و تعالی و الله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا و من کفر فان الله غنی عن العالمین، یا علی! من سوف الحج حتی یموت بعثه الله یوم القیمة یهودیا و نصرائیا، ای علی! کسی که حج را ترک کند با این که توانایی دارد کافر محسوب می شود، زیرا خداوند می فرماید: بر مردمی که استطاعت دارند به سوی خانه خدا بروند لازم است حج به جا بیاورند، و کسی که کفر بورزد (آن را ترک کند) به خود زیان رسانیده است، و خداوند از آنان بی نیاز است، ای علی کسی که حج را به تأخیر بیندازد تا این که از دنیا برود خداوند او را در قیامت یهودی یا نصرانی محشور می کند.»

دیگر این که: انجام این فریضه مهم الهی مانند همه فرائض و برنامه های دینی به سود مردم و برای تربیت آنها است و هیچ گونه تأثیری برای خداوند که از همگان بی نیاز است نخواهد داشت.

نکته ها :

۱ - منظور از بکه چیست؟

«بکه» در اصل از ماده «بک» (بر وزن فک) به معنی ازدحام و اجتماع است، و این که به خانه کعبه، یا زمینی که خانه کعبه در آن ساخته شده است «بکه» گفته اند به خاطر ازدحام و اجتماع مردم در آنجا است و بعید نیست که این اسم از آغاز روی آن نبوده و پس از رسمیت یافتن برای عبادت روی آن گذاشته شده باشد.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که «مکه» نام مجموع شهر است و بکه نام محلی است که خانه کعبه در آنجا بنا شده است. بعضی از مفسران نیز احتمال داده اند که بکه همان مکه بوده باشد که «م» در آن تبدیل به «ب» شده است نظیر «لازم» و «لازب» که هر دو در لغت عرب به یک معنی است.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۷

برای نامگذاری خانه کعبه و محل آن به «بکه» وجه دیگری نیز گفته اند و آن این که ماده مزبور به معنی از بین بردن نخوت و غرور آمده است، و چون در این مرکز بزرگ، همه تبعیضات برچیده می شود و گردنکشان و مغروران همانند مردم عادی باید به نیایش برخیزند و غرور آنها به این وسیله درهم شکسته می شود به آن بکه گفته شده است.

۲ - توسعه مسجد الحرام

از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به بعد هر قدر مسلمانان فزونی می یافتند و طبعاً زائران خانه خدا بیشتر می شدند، مسجد الحرام از طرف خلفای وقت توسعه داده می شد.

در تفسیر «عیاشی» نقل شده که در زمان منصور، خلیفه عباسی، بر اثر کثرت حجاج می خواستند مسجد الحرام را بار دیگر توسعه دهند، منصور مردمی را که در اطراف مسجد خانه داشتند طلبید، تا خانه آنها را خریداری کند، ولی آنها به هیچ قیمتی حاضر به فروش نشدند، منصور در بن بست سختی قرار گرفته بود (زیرا از یک طرف نمی خواست با اعمال زور خانه های آنها را خراب کند چون انعکاس خوبی نداشت و از طرف دیگر آنها هم حاضر به واگذاری خانه خود نبودند) در این باره از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد، امام فرمود: غمناک مباش در این باره دلیل روشنی است که می توانی با آن استدلال کنی، پرسید کدام دلیل؟ فرمود: به کتاب خدا، پرسید به کجای کلام الهی؟ فرمود: به این آیه: ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مبارک و آتاهم به ذوقا ذلیلا (نخستین خانه ای که برای مردمان ساخته شد، خانه کعبه بود بنابراین اگر آنها پیش از بنای کعبه خانه ساخته بودند اطراف خانه کعبه مال آنها بود، ولی اگر خانه کعبه مقدم بوده، این حریم (تا آنجا که مورد نیاز زائران خانه خداست) متعلق به کعبه است! منصور دستور داد آنها را حاضر ساختند و به همین سخن در برابر آنها تفسیر

نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۸

استدلال کرد آنان در پاسخ فرو ماندند و گفتند: هر طور مایل باشی موافق خواهیم بود.

باز در همان تفسیر نقل شده، که نظیر این حادثه در زمان مهدی عباسی تکرار شد، مهدی از فقهای وقت سؤال کرد همه گفتند: اگر مالکان خانه هاراضی نباشند ملک غصبی را نمی توان داخل مسجد الحرام کرد، علی بن یقطین اجازه خواست تا این مسأله را از موسی بن جعفر (علیه السلام) سؤال کند، مهدی به والی مدینه نوشت تا حل این مشکل را از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) بخواهد حضرت فرمود: بنویس «بسم الله الرحمن الرحيم اگر خانه کعبه اول بنا شده و مردم سپس در کنار آن فرود آمده اند فضای اطراف آن متعلق به خانه کعبه است، و اگر سکونت مردم در آنجا مقدم بر خانه کعبه بوده آنها

سزاوارترند».

چون پاسخ به «مهدی عباسی» رسید به قدری خوشحال شد که نامه را گرفت و بوسید، سپس دستور داد خانه‌ها را خراب کردند، صاحبان خانه به خدمت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) رفتند و تقاضا کردند نامه‌ای در این باب به مهدی بنویسد تا قیمت خانه‌های آنها را رد کند. حضرت در نامه نوشت: «چیزی به آنان عطا کن»، او هم آنها را راضی کرد.

این دو روایت «استدلال لطیفی» در بردارد که با موازین متداول حقوقی نیز کاملاً قابل تطبیق است، و آن اینکه معبدی همچون خانه کعبه به هنگامی که در زمین بکری ساخته شود تا شعاع احتیاجات خود نسبت به آن زمین اولویت دارد، البته تا آن روز که این احتیاج جنبه ضرورت پیدا نکرده دیگران هم می‌توانند از حریم آن استفاده کنند، اما آن روز که نیاز مبرم پیدا شد از حق اولویت نخستین می‌توان استفاده کرد.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۹

۳- امتیازات خانه کعبه:

در این دو آیه برای کعبه علاوه بر امتیاز «نخستین پرستشگاه بودن» چهار امتیاز دیگر ذکر شده است:

۱- (مبارک)

«مبارک» به معنی پر برکت و پر فایده است، و کعبه از این جهت مبارک است که هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی در یکی از پر برکت‌ترین سرزمینهای جهان است، برکات معنوی این سرزمین و جذبه‌های الهی و تحرک و جنبش و وحدتی که در پرتو آن مخصوصاً در مراسم حج به وجود می‌آید بر هیچکس پوشیده نیست، و اگر تنها به جنبه‌های صوری مراسم حج اکتفاء نشود و روح و فلسفه آن زنده گردد آنگاه برکت واقعی آن آشکارتر خواهد بود.

از نظر مادی: با اینکه سرزمین خشک و بی آب و علفی است و به هیچ وجه از نظر طبیعی مناسب شرائط زندگی نیست این شهر در طول تاریخ همواره یکی از شهرهای آباد و پر تحرک و یک مرکز آماده برای زندگی و حتی برای تجارت بوده است.

۲- (هدی للعالمین)

کعبه مایه هدایت جهانیان است و مردم از نقاط دور و نزدیک، صفحات خشکی

و دریا را زیر پا می گذارند و به این عبادتگاه بزرگ جلب می شوند و در مراسم با شکوه حج که از زمان ابراهیم همچنان رایج بوده شرکت می کنند، حتی عرب جاهلی نیز کعبه را گرامی می داشت، و مراسم حج را به عنوان اینکه آئین ابراهیم است با اینکه با خرافات آمیخته شده بود انجام می داد، و در پرتو همان مراسم ناقص خود تا حدود زیادی از کارهای نادرست خود موقتاً دست برمی داشت و به این ترتیب همگان حتی بت پرستان از هدایت این خانه بزرگ بهره مند می شدند، جاذبه معنوی این سرزمین و این خانه مقدس چنان است که

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۰

همه را بی اختیار تحت تأثیر خود قرار می دهد.

۳ - (فیه آیات بینات مقام ابراهیم)

در این خانه نشانه های روشنی از خداپرستی و توحید و معنویت به چشم می خورد، و دوام و بقای آن در طول تاریخ در برابر دشمنان نیرومندی که قصد نابود ساختن آن را داشتند یکی از این نشانه ها است، آثاری که از پیامبر بزرگی همچون ابراهیم (علیه السلام) در کنار آن باقی مانده مانند زمزم، صفا، مروه، رکن حطیم حجر الاسود، حجر اسماعیل که هر کدام تاریخ مجسمی از قرون و اعصار گذشته است و روشنگر خاطره های عظیم و جاویدان می باشد، از دیگر نشانه ها است.

از میان این نشانه های روشن، مقام ابراهیم به خصوص ذکر شده، زیرا محلی است که در آن ابراهیم ایستاد، به خاطر بنای کعبه، و یا به خاطر انجام مراسم حج و یا برای دعوت عمومی مردم برای انجام این مراسم بزرگ، و در هر حال از مهمترین آیات مزبور است و خاطرات بی نظیری از فداکاریها، اخلاصها، و اجتماعها را زنده می کند.

در این که منظور از «مقام ابراهیم» خصوص آن نقطه ای است که هم اکنون سنگ مخصوصی که اثر پای ابراهیم بر آن نمایان است در آنجا است، یا منظور از آن تمام «حرم مکه» و یا «تمام مواقف حج» است، در میان مفسران گفتگو است ولی در روایتی که از امام صادق (علیه السلام) در کتاب کافی نقل شده اشاره به همان احتمال اول شده است.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۱

۴ - (و من دخله کان آمنا)

ابراهیم (علیه السلام) بعد از بنای خانه کعبه امنیت شهر مکه را از خداوند درخواست نمود و گفت: «رب اجعل هذا بلدا آمنا، خداوندا! این سرزمین را سرزمین امن و امانی قرار بده» (ابراهیم - ۳۵) خداوند دعای ابراهیم را اجابت کرد و آن را یک مرکز امن قرار داد که هم مایه آرامش روح و امنیت اجتماع مردمی است که به آن می آیند و از آن الهام می گیرند و هم از نظر قوانین مذهبی، امنیت آن آنچنان محترم شمرده شده که هر گونه جنگ و مبارزه در آن ممنوع است.

مخصوصا در اسلام «کعبه» بعنوان یک ماءمن و پناهگاه شناخته شده، و حتی حیوانات این سرزمین از هر نظر باید در امنیت باشند و کسی مزاحم آنها نشود، افراد انسانی که به آن پناه می برند نیز در امان هستند حتی اگر قاتل و جانی باشند نمی توان متعرض آنها شد، ولی برای این که این احترام خاص خانه کعبه مورد سوء استفاده قرار نگیرد، و حق مظلومان پایمال نگردد اگر افراد جنایتکار و مجرمی به آن پناهنده شوند دستور داده شده آنها را از نظر آب و غذا در مضیقه قرار دهند، تا مجبور گردند آنجا را ترک گویند، و آنها را به کیفر برسانند.

بعد

↑ فترت